با وجود تأکیدهای مکرر مسئولان بر گسترش همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه، فاصله میان ظرفیت‌های بالقوه و واقعیت تجارت دوجانبه همچنان چشمگیر است.

هرچند در سال‌های اخیر از امکان رشد قابل توجه مبادلات میان دو کشور سخن بسیار گفته شده اما در عمل مجموعه‌ای از موانع ساختاری اجازه نداده این رابطه به سطحی پایدار و روان برسد.

دشواری در نقل و انتقال پول، ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل، محدودیت در مسیرهای ترانزیتی و نبود هماهنگی کافی در سازوکارهای تجاری، همچنان از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی فعالان این حوزه به شمار می‌رود.

ضرورت‌های گسترش روابط اقتصادی ایران و روسیه

سیدرضا رفیعی؛ عضو هیئت‌مدیره اتاق مشترک بازرگانی ایران و روسیه، در این گفت‌وگو به مهم‌ترین گره‌های این مسیر پرداخته است.

یکی از الزامات توسعه تجارت کشورها برقراری روابط بانکی بین آنهاست با توجه به تاکیداتی که درخصوص تجارت بین ایران و روسیه وجود دارد الان وضعیت روابط بانکی دو کشور چگونه است؟

تجارت با روسیه، یک فرصت واقعی و راهبردی برای ایران است اما بهره‌برداری از این ظرفیت بدون اصلاح موانع داخلی ممکن نیست. روابط بانکی بین ایران و روسیه برقرار است و این موضوع را نباید انکار کرد. ما در روسیه بانک داریم؛ از جمله «بیزنس بانک» و به‌طور کلی ارتباطات بانکی میان دو کشور وجود دارد. حتی گشایش اعتبار اسنادی یا همان ال‌سی هم در برخی موارد انجام می‌شود اما مسئله اصلی این نیست که آیا رابطه بانکی وجود دارد یا نه؛ مسئله این است که این ارتباط تا چه اندازه برای فعال اقتصادی قابل استفاده، پایدار و کم‌هزینه است.

بنابراین اصل ماجرا این نیست که بانک وجود ندارد؛ مشکل این است که ما با تصمیمات و مقررات داخلی، استفاده از این ظرفیت را سخت کرده‌ایم. بخش خصوصی نیاز دارد بداند که مقررات فردا همان مقررات امروز است. اما در فضای فعلی، گاهی قوانین و بخشنامه‌ها به‌صورت لحظه‌ای تغییر می‌کنند. یک روز اجازه‌ای داده می‌شود و روز دیگر همان مسیر بسته می‌شود. این شرایط اعتماد تجار را از بین می‌برد. تاجر نمی‌تواند بر اساس تصمیم‌های ساعتی و روزانه برنامه‌ریزی کند. او باید بداند که اگر وارد یک مسیر رسمی شد؛ در پایان راه دچار جریمه، تعلیق یا مسدود شدن عملیات ارزی نمی‌شود.

جنگ چه تاثیری بر روابط تجاری ایران و روسیه داشته است؟ بعد از جنگ‌های اخیر علیه ایران روابط تجاری ایران و روسیه بیشتر شده یا تاثیر منفی داشته است؟

به‌نظر من این جنگ‌ها اثر منفی بر اصل فرصت تجاری ایران و روسیه نداشته، بلکه حتی بعضی ظرفیت‌ها را بیشتر هم کرده است. ایران و روسیه هر دو تحت تحریم هستند و هر دو به‌نوعی در فضای فشار خارجی قرار دارند. از طرف دیگر، این دو کشور از نظر اقتصادی می‌توانند مکمل هم باشند. ما در حوزه‌هایی مثل مواد غذایی، کشاورزی و برخی کالاهای مصرفی ظرفیت صادراتی داریم و روسیه هم در بسیاری از کالاهای اساسی و حوزه‌های صنعتی برای ما ظرفیت تأمین دارد.

مشکل اینجاست که هنوز بخشی از نگاه برخی مسئولان به روسیه، یک نگاه جدی و راهبردی نیست. در حالی که روسیه یک بازار بزرگ است. اقتصاد بزرگی دارد و با توجه به شرایط جنگ و تحریم، نیازهای مشخصی هم پیدا کرده است. اگر ما این فضا را درست ببینیم، می‌توانیم از آن به‌عنوان یک فرصت بزرگ برای اقتصاد کشور استفاده کنیم.

چرا هنوز از فرصت روسیه آن‌طور که باید استفاده نکرده‌ایم؟

چون صرف داشتن فرصت کافی نیست؛ باید برای استفاده از آن باید برنامه داشت. ما در عمل هنوز بسیاری از زیرساخت‌های لازم را برای تجارت روان با روسیه تکمیل نکرده‌ایم. از یک‌سو روابط بانکی را داریم و از سوی دیگر حمل‌ونقل، استاندارد، مقررات ارزی و هماهنگی نهادی هنوز کامل نیست.

بخش زیادی از مشکل این است که تصمیم‌گیران گاهی از زاویه بخش خصوصی به موضوع نگاه نمی‌کنند. در حالی که سرباز اقتصادی کشور، تاجر و صنعتگر است. این‌ها هستند که باید در میدان رقابت حضور داشته باشند؛ نه اینکه فقط از آن‌ها انتظار نتیجه داشته باشیم اما ابزار لازم را در اختیارشان نگذاریم.

> **در شرایطی که محدودیت بانکی وجود دارد؛ استفاده از تهاتر، ارزهای جایگزین و سازوکارهای مالی منطقه‌ای می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. مثلاً اگر چین در یک طرف این معادله باشد و روسیه در طرف دیگر، می‌توان از ظرفیت یوان و مدل‌های تهاتری برای تسهیل تجارت استفاده کرد. اما این مدل‌ها هم نیازمند سیاست‌گذاری دقیق است. بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سایر نهادهای مسئول باید برای این ابزارها چارچوب روشن و قابل‌اجرا تعریف کنند.**

یکی از موضوعاتی که در صحبت‌های شما پررنگ بود، استانداردهاست. این مانع چه اندازه جدی است؟

رفیعی: خیلی جدی. شاید برای عموم مردم استاندارد فقط به‌معنای کیفیت کالا باشد اما در تجارت بین‌المللی، استاندارد یعنی زبان مشترک میان دو کشور برای تعریف، پذیرش و مبادله کالا. اگر این زبان مشترک وجود نداشته باشد؛ کالا پشت مرز می‌ماند یا فرآیند ورود و خروج آن طولانی و پرهزینه می‌شود.

ما متأسفانه در برخی حوزه‌ها، میان ایران و روسیه هنوز همسان‌سازی کامل استانداردی نداریم. در حالی که این موضوع در روابط ما با اروپا یا حتی برخی کشورهای دیگر تا حدی حل شده است. وقتی کالا از ایران به روسیه می‌رود؛ باید با استانداردهای آن کشور تطبیق داده شود و اگر این تطبیق قبلاً طراحی نشده باشد؛ تاجر در مرز دچار مشکل می‌شود. این مسئله فقط مربوط به سازمان استاندارد نیست؛ منظور من کل نظام تنظیم‌گری است. باید پیشاپیش بدانیم روس‌ها چه می‌خواهند و چه ماده‌ای را نمی‌پذیرند و چه محدودیتی دارند و چه چیزی را باید از قبل اصلاح کنیم. اگر این کار انجام نشود و بعد از ارسال کالا متوجه می‌شویم که مشکل داشته و هزینه سنگینی روی دست تاجر می‌ماند.

در برخی موارد، روسیه نسبت به بعضی کالاهای حساسیت داشته و آنها را برگردانده است آیا این مسائل منجر به اصلاح شده است؟

متأسفانه به اندازه کافی صورت نگرفته است. در بعضی موارد، روس‌ها درباره موادی که در تولیدات کشاورزی یا سموم استفاده می‌شود هشدار داده‌اند و گفته‌اند که این ترکیبات برای ما شناخته‌شده نیست یا مورد تأیید نیست. اما گاهی این هشدارها را جدی نمی‌گیریم یا دیر متوجه اهمیت آن می‌شویم.

مثلاً در ماجرای برخی محصولات کشاورزی، تازه بعد از بروز مشکل متوجه شدیم که باید قبلاً درباره مواد مصرفی، نوع بسته‌بندی، برچسب‌گذاری و تطبیق استانداردها با طرف روسی هماهنگ می‌کردیم. این یعنی هنوز زیرساخت‌های اولیه برای تجارت حرفه‌ای با روسیه به‌درستی چیده نشده است.

> **باید متولیان توسعه کریدورها، وزارتخانه‌های مرتبط، سازمان توسعه تجارت و نهادهای حمل‌ونقلی دست به دست هم بدهند. امروز بازار روسیه یک بازار قابل‌دسترس است اما نه با زیرساخت‌های فرسوده و تصمیم‌گیری‌های پراکنده. اگر مسیر ریلی، جاده‌ای و بندری ما هماهنگ نباشد؛ سهمی که می‌توانیم از این بازار بگیریم از دست می‌رود.**

اگر قرار است بازار روسیه را جدی بگیریم باید همان ابتدا بین نهادهای مسئول در دو کشور، یک فهم مشترک از کالا، استاندارد و فرآیند نظارتی ایجاد شود. این کار باید قبل از بروز بحران انجام شود، نه بعد از آن.

از نظر شما مهم‌ترین گلوگاه برای توسعه تجارت با روسیه چیست؟

یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌ها حمل‌ونقل است. ما تا وقتی کریدورهای تجاری را جدی نگیریم، نمی‌توانیم از ظرفیت واقعی بازار روسیه استفاده کنیم. حمل‌ونقل فقط جابه‌جایی کالا نیست؛ خودش بخشی از مزیت رقابتی است. اگر کالا دیر برسد و اگر هزینه حمل بالا باشد یا اگر مسیرها مطمئن نباشند؛ عملاً تجارت از صرفه می‌افتد.

باید متولیان توسعه کریدورها، وزارتخانه‌های مرتبط، سازمان توسعه تجارت و نهادهای حمل‌ونقلی دست به دست هم بدهند. امروز بازار روسیه یک بازار قابل‌دسترس است اما نه با زیرساخت‌های فرسوده و تصمیم‌گیری‌های پراکنده. اگر مسیر ریلی، جاده‌ای و بندری ما هماهنگ نباشد؛ سهمی که می‌توانیم از این بازار بگیریم از دست می‌رود. تجارت با روسیه نیاز به ترمینال‌های مناسب، مسیرهای حمل‌ونقل سریع، هماهنگی گمرکی و تصمیم‌گیری منسجم دارد. ریل و دریا و جاده باید به هم متصل باشند، نه اینکه هر کدام ساز خودشان را بزنند.

یکی از نکات مهم این است که باید از مدل‌های موفق دیگر کشورها یاد بگیریم. روس‌ها و چینی‌ها در این مسیر فعال هستند و ما هم باید فعال باشیم. اگر طرف مقابل به‌دنبال توسعه تجارت است و ما فقط تماشاگر بمانیم، طبیعتاً سهم بازار را دیگران می‌گیرند. بازار منتظر ما نمی‌ماند.

عضویت و همکاری با اتحادیه اوراسیا چه نقشی در توسعه تجارت ایران با روسیه دارد؟

اوراسیا یک فرصت بسیار مهم برای ایران است. تعرفه‌ها در بخشی از کالاها کاهش یافته و در برخی حوزه‌ها به صفر رسیده‌اند. این یعنی کالاهای ایرانی می‌توانند با قیمت رقابتی‌تری وارد بازارهای منطقه شوند. برای کشوری مثل ایران که تولیدکننده مواد غذایی و محصولات کشاورزی است، این فرصت بسیار مهم است.

اما باز هم تأکید می‌کنم که فرصت، به‌تنهائی کافی نیست. باید آن را به برنامه عملیاتی تبدیل کنیم. اگر تعرفه ترجیحی وجود دارد، باید صادرات هم منظم، باکیفیت و با پشتیبانی نهادی انجام شود. اگر این زنجیره کامل نشود، مزیت تعرفه‌ای هم اثر خود را از دست می‌دهد.

برای عبور از محدودیت‌های بانکی، آیا استفاده از تهاتر و ابزارهایی مثل یوان می‌تواند راه‌حل باشد؟

بله، قطعاً می‌تواند یکی از راه‌حل‌ها باشد. در شرایطی که محدودیت بانکی وجود دارد؛ استفاده از تهاتر، ارزهای جایگزین و سازوکارهای مالی منطقه‌ای می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. مثلاً اگر چین در یک طرف این معادله باشد و روسیه در طرف دیگر، می‌توان از ظرفیت یوان و مدل‌های تهاتری برای تسهیل تجارت استفاده کرد.

اما این مدل‌ها هم نیازمند سیاست‌گذاری دقیق است. بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سایر نهادهای مسئول باید برای این ابزارها چارچوب روشن و قابل‌اجرا تعریف کنند. اگر این اتفاق نیفتد، فرصت‌های مالی هم روی زمین می‌ماند.

منشأ خرید در تجارت، یکی از حلقه‌های مهم است. گاهی کالا از یک کشور به کشور دیگر می‌رود اما سند یا مبدا نهائی آن در جایی دیگر ثبت می‌شود.

> **بخش خصوصی اگر احساس امنیت کند خودش مسیر تجارت را پیدا می‌کند و حتی تحریم و محدودیت را هم تا حد زیادی دور می‌زند. اما اگر فضای داخلی پر از مانع باشد بهترین فرصت‌ها هم از دست می‌رود.**

این مسئله در تجارت ایران و روسیه هم وجود دارد. در برخی موارد کالاهایی که ما از روسیه می‌خریم با منشأ خرید غیرمستقیم و از مسیر کشور ثالث وارد می‌شوند.

این موضوع هم هزینه را بالا می‌برد و هم شفافیت را کم می‌کند. اگر دولت اطلاعات لازم را دارد باید بررسی کند که چرا این اتفاق می‌افتد و چرا ما نمی‌توانیم خرید مستقیم را جایگزین مسیرهای غیرمستقیم کنیم. اصلاح این حلقه، هم به کاهش هزینه‌ها کمک می‌کند و هم به افزایش اعتماد در تجارت دوجانبه.

اگر قرار است تجارت با روسیه گسترش پیدا کند؛ باید قواعد بازی روشن، قابل پیش‌بینی و پایدار باشد. قوانین نباید هر روز تغییر کنند. باید به جای ایجاد مانع، برای تجار مشوق ساخت. بخش خصوصی اگر احساس امنیت کند خودش مسیر تجارت را پیدا می‌کند و حتی تحریم و محدودیت را هم تا حد زیادی دور می‌زند. اما اگر فضای داخلی پر از مانع باشد، بهترین فرصت‌ها هم از دست می‌رود.

روسیه یک فرصت واقعی برای ایران است. نه فقط به دلیل همسایگی و تحولات سیاسی، بلکه به‌خاطر ساختار اقتصادی، نیازهای متقابل و ظرفیت‌های مکمل دو کشور، اما استفاده از این فرصت، نیاز به شجاعت تصمیم‌گیری، روان‌سازی مقررات، اصلاح استانداردها، تقویت حمل‌ونقل، فعال‌سازی ابزارهای مالی و اعتماد به بخش خصوصی دارد. اگر این اقدامات انجام شود، ایران می‌تواند سهم بیشتری از بازار روسیه بگیرد. در غیر این صورت، فقط درباره فرصت روسیه حرف می‌زنیم، بدون اینکه از آن بهره‌ای ببریم.

خبرگزاری فارس

راهکارهای حرکت دولت به سوی اجرای عدالت

ساعت هفت صبح روز چهارشنبه در یکی از شعب شمال غرب تهران، زوج جوانی که تازه عقد کرده‌اند، چهارمین روز متوالی است که پشت در بسته شعبه، چشم به تابلو اعلانات دوخته‌اند. زیرنویس غیررسمی شعبه می‌گوید: «اعتبارات وام ازدواج تا اطلاع ثانوی قطع است».

سه کوچه پایین‌تر، در یک خواربارفروشی، صاحب مغازه صورت‌حساب کالابرگ را در دست دارد؛ دولت ۵۰۰ میلیون تومان بابت کالاهای توزیع‌شده در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۵ به او بدهکار است اما فقط ۱۴ میلیون تومان آن پرداخت شده؛ همزمان یک معاون وزیر، یک سخنگوی دولت و رئیس‌کل بانک مرکزی می‌گویند، «همه بدهی‌مان در بخش کالابرگ را پرداخت کرده‌ایم».

آن‌ها قبلاً و در زمان حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی هم گفتند که رقم کالابرگ را در خردادماه اضافه می‌کنند اما خرداد که شد اعلام کردند، «پول نداریم».

کمی پیش از تابستان ۱۴۰۳ را به یاد بیاورید؛ در تالار وزارت کشور بود که مسعود پزشکیان در جمع خبرنگاران از ایده‌اش برای کشورداری حرف زد و گفت که اگر «عدالت» برقرار نباشد، هیچ نظام و ساختاری دوام نخواهد داشت.

حالا بیش از دو سال از روز ثبت‌نام و سخنرانی‌های آقای پزشکیان می‌گذرد. او انصافاً پس از گرفتن رای از مردم هم حرف بسیار از عدالت گفت اما دولت او سه پروژه‌ای که قلب عدالت اجتماعی بودند، را از اولویت خارج کرد.

مدارک به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که سازمان برنامه با اتکا به اینکه ارز نفتی نیامده، قول دولت درباره افزایش رقم کالابرگ در خردادماه را متوقف کرده و ما حالا داریم به نیمه شهریور نزدیک می‌شویم. گزارش‌های میدانی از ۱۰ شهر کشور، حکایت از «تعلیق خاموش» وام ازدواج دارد؛ همان وامی که قرار بود جوانان را از بحران جمعیتی نجات دهد.

نگاهی هم که به آمار ساخت‌وساز بیندازیم، متوجه می‌شویم که پروژه نهضت ملی مسکن که قرار بود به ملت زمین برساند و آن‌ها را صاحب‌خانه کند؛ عملاً متوقف شده است.

اینجاست که پای یک خبر حیاتی به میان می‌آید. اطلاعات فروش نفت سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که درآمدهای حاصل از صادرات نفت در چهار ماهه امسال نسبت به سال قبل، جهشی یک و نیم برابری داشته اما این پول اضافی، برخلاف وعده‌ها، نه به سمت کالابرگ و نه به سمت خط مسکن و وام ازدواج روانه نشده.

دولت پزشکیان می‌تواند از محل افزایش درآمد نفتی و همچنین مابه‌التفاوت قیمت دلار و ارز سابق ترجیحی رقم کالابرگ را حداقل برای دهک‌های کم‌درآمد بالا ببرد. با پیاده‌سازی نظام حاکمیت شرکتی، پرداخت حقوق مدیران دولتی دست‌اندرکار را به پرداخت حق‌وحقوق کاسب‌ها در کالابرگ گره‌زده و تا پول کالابرگ کامل پرداخت نکردند، حقوق مدیران مربوطه را پرداخت نکند.

> **پزشکیان اختیار قانونی دارد که در قالب قانون بودجه، رقم و سقف وام ازدواج را از منابع بانکی که امروز به بنگاه‌داری و خرید ارز و طلا و وام به شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها تعلق می‌گیرد را اضافه کند. دولت آن‌قدر زمین دارد که به‌راحتی تنها با مسکونی کردن یک درصد از مساحت ایران، به هر ایرانی ۲۰۰ متر سرپناه بدهد.**

پزشکیان اختیار قانونی دارد که در قالب قانون بودجه، رقم و سقف وام ازدواج را از منابع بانکی که امروز به بنگاه‌داری و خرید ارز و طلا و وام به شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها تعلق می‌گیرد را اضافه کند.

و دولت آن‌قدر زمین دارد که به‌راحتی تنها با مسکونی کردن یک درصد از مساحت ایران، به هر ایرانی ۲۰۰ متر سرپناه بدهد. این اقدامات نه‌تنها به لحاظ اجرائی نه‌تنها ممکن است؛ بلکه در گذشته سابقه اجرا دارد. این کارها دولت پزشکیان را به عدالت نزدیک‌تر خواهد کرد. نقل است که یک سیاستمدار در جایی گفته، اعمال بسیار بلندتر از کلمات حرف می‌زنند.

خبرگزاری فارس

فرصت‌های بانک توسعه جدید بریکس برای ایران

بانک توسعه جدید که با عنوان انگلیسی New Development Bank و نشان اختصاری NDB شناخته می‌شود؛ یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی چندجانبه‌ای است که طی دهه اخیر به ابتکار اقتصادهای نوظهور تأسیس شده است. این نهاد گاهی در رسانه‌ها «بانک بریکس» نامیده می‌شود اما برای درک درست جایگاه و کارکرد آن باید از همان ابتدا میان چهار مفهوم متفاوت تمایز قائل شد؛ گروه بریکس، بانک توسعه جدید، ترتیبات ذخیره احتیاطی بریکس و طرح‌های در دست بررسی برای تسهیل پرداخت‌های برون‌مرزی میان اعضای بریکس.

بانک توسعه جدید نه بانک مرکزی بریکس است و نه شبکه‌ای مشابه سوئیفت، نه سامانه تسویه بین‌بانکی و نه نهادی برای انتشار ارز مشترک. NDB یک بانک توسعه‌ای چندجانبه است که وظیفه اصلی آن تجهیز منابع و تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار در کشورهای عضو و در شرایط استثنایی، برخی کشورهای غیرعضو است.

ایده تأسیس این بانک در چهارمین اجلاس سران بریکس در دهلی‌نو در سال ۲۰۱۲ مطرح شد و پس از مذاکرات کشورهای مؤسس، موافقت‌نامه ایجاد آن در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۴ در شهر فورتالزای برزیل به امضا رسید. بانک در سال ۲۰۱۵ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و مقر آن در شانگهای چین قرار گرفت. برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی پنج عضو مؤسس آن هستند.

براساس موافقت‌نامه تأسیس بانک توسعه جدید، هدف بانک تجهیز منابع برای پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار در کشورهای بریکس و سایر اقتصادهای نوظهور و درحال‌توسعه است؛ به‌گونه‌ای که فعالیت آن مکمل بانک جهانی، بانک‌های توسعه منطقه‌ای و دیگر مؤسسات مالی چندجانبه باشد، نه اینکه الزاماً جایگزین آنها شود.

NDB برای تحقق این مأموریت می‌تواند پروژه‌های عمومی و خصوصی را از طریق اعطای وام، صدور تضمین، مشارکت در سرمایه، تأمین مالی مشترک و سایر ابزارهای مالی پشتیبانی کند. بانک همچنین مجاز است برای آماده‌سازی و اجرای پروژه‌ها کمک فنی ارائه دهد و با مؤسسات مالی بین‌المللی و بانک‌های توسعه‌ای ملی همکاری کند و پروژه‌هایی را که بیش از یک کشور در آنها مشارکت دارد مورد حمایت قرار دهد؛ بنابراین موضوع فعالیت آن بسیار فراتر از اعطای وام مستقیم به دولت‌هاست. هرچند در عمل، بخش غالب پرتفوی آن را وام‌های حاکمیتی یا دارای تضمین دولت تشکیل داده است.

سرمایه مجاز اولیه بانک ۱۰۰ میلیارد دلار و سرمایه‌پذیره‌نویسی‌شده اولیه آن ۵۰ میلیارد دلار تعیین شد. از این مبلغ، ۱۰ میلیارد دلار سرمایه پرداخت‌شده و ۴۰ میلیارد دلار سرمایه قابل مطالبه بود. سرمایه قابل مطالبه به این معنا نیست که بانک تمام این مبلغ را در اختیار دارد؛ بلکه اعضا تعهد می‌کنند در صورت نیاز بانک برای ایفای تعهدات مالی خود، سهم مربوط را طبق مقررات پرداخت کنند. همین پشتوانه سرمایه‌ای، همراه با کیفیت دارایی‌ها و حمایت سهامداران، در توان NDB برای انتشار اوراق و تجهیز منابع از بازارهای مالی نقش اساسی دارد.

قدرت رأی هر کشور با تعداد سهام پذیره‌نویسی‌شده آن ارتباط دارد. با این‌حال، موافقت‌نامه، ترتیبی برقرار کرده است که براساس آن سهم اعضای مؤسس از کل قدرت رأی نباید به کمتر از ۵۵ درصد کاهش یابد و سهم کشورهای عضو غیر وام‌گیرنده نباید از ۲۰ درصد بیشتر شود و سهم هیچ عضو غیرمؤسسی نمی‌تواند از هفت درصد کل قدرت رأی تجاوز کند؛ بنابراین توسعه عضویت بانک اگرچه دامنه جغرافیایی و سرمایه آن را افزایش می‌دهد اما ساختار کنترلی مؤسسان را به‌طور کامل تغییر نمی‌دهد.

شرایط عضویت در بانک

عضویت در NDB برای اعضای سازمان ملل متحد، اعم از کشورهای وام‌گیرنده و غیر وام‌گیرنده، امکان‌پذیر است؛ اما پذیرش عضو جدید به تصمیم «اکثریت ویژه» هیئت عاملان نیاز دارد. در تعریف این موافقت‌نامه، اکثریت ویژه مستلزم رأی موافق چهار عضو مؤسس و موافقت کشورهایی است که دست‌کم دوسوم کل قدرت رأی را در اختیار دارند. تعداد سهام، میزان سرمایه پرداخت‌شده و قابل مطالبه، برنامه پرداخت، حق رأی و سایر شرایط عضویت هر کشور نیز در جریان مذاکرات الحاق تعیین می‌شود.

بانک توسعه جدید پس از پنج عضو مؤسس، عضویت خود را گسترش داده است. براساس فهرست رسمی اعضای بانک، تا ۱۵ اوت ۲۰۲۶، بنگلادش، امارات متحده عربی، مصر، الجزایر و ازبکستان به عضویت کامل درآمده‌اند. ازبکستان در پنجم ژوئن ۲۰۲۶ دهمین عضو رسمی بانک شد. اروگوئه، کلمبیا، اتیوپی، آنگولا و زیمبابوه نیز در فهرست اعضای آینده قرار دارند؛ به این معنا که هیئت عاملان با پذیرش آنها موافقت کرده‌اما عضویتشان تا زمان انجام تشریفات داخلی و تودیع سند الحاق نهائی نشده است.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای سال ۲۰۲۴ عضو کامل گروه بریکس است اما عضویت در بریکس، عضویت خودکار در بانک توسعه جدید ایجاد نمی‌کند. بریکس یک چارچوب همکاری میان دولت‌هاست؛ درحالی‌که NDB دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی، سرمایه، سهامداران، ارکان حاکمیتی، ترازنامه و فرآیند عضویت مستقل است.

رئیس‌کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به تازگی اعلام کرد که کشور به‌زودی به عضویت بانک توسعه جدید درمی‌آید که این اعلام، از پیشرفت پیگیری‌های ایران حکایت دارد. بااین‌حال، تا تاریخ مبنای این گزارش نام ایران هنوز در فهرست رسمی اعضای کامل یا اعضای آینده منتشرشده در پایگاه NDB درج نشده و بخش ارتباطات بانک نیز عضویت ایران را رسماً تأیید نکرده است.

از منظر حقوقی، باید میان «اعلام اراده یا پیشرفت مذاکرات»، «پذیرش ایران به‌وسیله هیئت عاملان» و «نهائی‌شدن عضویت پس از تودیع سند الحاق» تفاوت قائل شد. عضویت قطعی زمانی قابل اعلام است که تصمیم رسمی بانک اتخاذ و تشریفات الحاق تکمیل شده باشد. ارکان اصلی NDB شامل هیئت عاملان، هیئت‌مدیره، رئیس و معاونان رئیس است. هر کشور عضو یک عامل و یک قائم‌مقام معرفی می‌کند و عامل باید در سطح وزیر باشد. تصمیم‌گیری درباره پذیرش اعضای جدید، تغییر سرمایه، تعلیق عضویت، اصلاح موافقت‌نامه، انتخاب رئیس و تصویب راهبرد پنج‌ساله در صلاحیت هیئت عاملان قرار دارد. هیئت‌مدیره مسئول تصمیم‌گیری درباره راهبردهای عملیاتی، وام‌ها، تضمین‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، تجهیز منابع و کمک‌های فنی است. رئیس بانک از میان اتباع کشورهای مؤسس و به‌صورت چرخشی انتخاب می‌شود. این ساختار نشان می‌دهد عضویت ایران، افزون بر دسترسی بالقوه به منابع، مستلزم تعیین نمایندگی حاکمیتی، مشارکت در سرمایه و حضور در سازکار تصمیم‌گیری بانک خواهد بود.

منابع NDB از سرمایه اعضا، بازپرداخت وام‌ها، درآمدهای

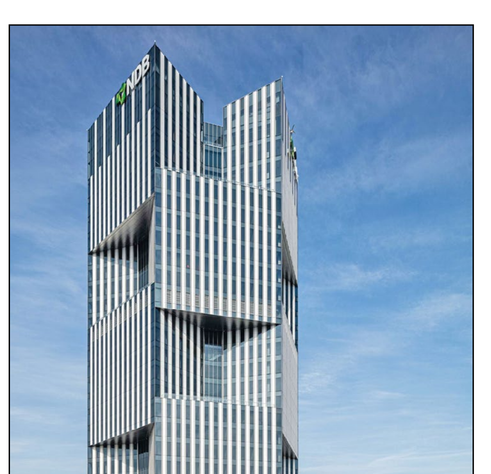

عملیاتی، انتشار اوراق، دریافت تسهیلات و دیگر ابزارهای مالی تأمین می‌شود. بانک در بازارهای بین‌المللی و داخلی اعضا اوراق منتشر می‌کند و برنامه ۵۰ میلیارد دلاری انتشار اوراق میان‌مدت آن در بورس لندن ثبت شده است. همچنین انتشار اوراق «رنمینبی» در بازار بین‌بانکی چین و استفاده از ابزارهای سبز، اجتماعی و پایداری بخشی از راهبرد تجهیز منابع آن است.

براساس اطلاعات رسمی بانک، در پایان سال ۲۰۲۵ مجموع تأمین مالی تصویب‌شده به ۴۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار برای ۱۳۹ پروژه رسیده بود. طبق صورت‌های مالی ارائه‌شده به سرمایه‌گذاران، کل دارایی‌های بانک در پایان سپتامبر ۲۰۲۵ حدود ۳۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، مانده وام‌ها و پیش‌پرداخت‌ها نزدیک به ۲۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و حقوق مالکانه آن حدود ۱۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بود.

> **بانک توسعه جدید نه بانک مرکزی بریکس است و نه شبکه‌ای مشابه سوئیفت، نه سامانه تسویه بین‌بانکی و نه نهادی برای انتشار ارز مشترک. NDB یک بانک توسعه‌ای چندجانبه است که وظیفه اصلی آن تجهیز منابع و تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار در کشورهای عضو و در شرایط استثنایی، برخی کشورهای غیرعضو است.**

> **بانکی که از نظر مأموریت توسعه‌ای مناسب است اما ضعف مالی یا کنترلی دارد؛ ممکن است برای دریافت خط اعتباری مستقیم واجد شرایط نباشد. برعکس، بانک برخوردار از سلامت مالی ولی فاقد نظام ارزیابی پروژه‌های توسعه‌ای نیز نمی‌تواند بدون ظرفیت‌سازی به واسطه مناسبی برای NDB تبدیل شود.**

گزارش وضعیت مالی و سرمایه‌گذاری

حوزه‌های اصلی فعالیت بانک شامل انرژی پاک و بهره‌وری انرژی، زیرساخت حمل‌ونقل، آب و فاضلاب، حفاظت محیط‌زیست، زیرساخت اجتماعی و زیرساخت دیجیتال است. راهبرد عمومی بانک برای دوره ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ هدف‌گذاری کرده بود که ۳۰ میلیارد دلار تأمین مالی جدید تصویب شود و ۴۰ درصد منابع به پروژه‌های مرتبط با کاهش آثار تغییر اقلیم و سازگاری با آن اختصاص یابد و ۳۰ درصد تأمین مالی با ارزهای محلی انجام شود و سهم عملیات غیردولتی به ۳۰ درصد و سهم پروژه‌های دارای تأمین مالی مشترک به ۲۰ درصد برسد. این اهداف نشان می‌دهد NDB در کنار تأمین مالی دولت‌ها، در پی توسعه عملیات بخش خصوصی، استفاده بیشتر از پول‌های ملی و جذب سرمایه سایر مؤسسات است.

در ایران، بانک‌های صنعت و معدن، توسعه صادرات، کشاورزی، مسکن و توسعه تعاون، به دلیل مالکیت دولتی و مأموریت‌های تخصصی، نخستین نامزدهای قابل بررسی برای دریافت خطوط توسعه‌ای یا اجرای پروژه‌های موضوعی محسوب می‌شوند.

بانک سپه و دیگر بانک‌های تجاری بزرگ نیز می‌توانند در نقش بانک عامل، ارائه‌دهنده خدمات حساب و پرداخت، صادرکننده تضمین، شریک تأمین مالی یا مجری عملیات ارزی مطرح شوند اما اندازه، مالکیت دولتی یا گستردگی شعب به‌تنهائی برای انتخاب کافی نیست.

طبق ماده ۱۷ موافقت‌نامه NDB، هر کشور عضو باید بانک مرکزی خود را به‌عنوان سپرده‌پذیر رسمی دارایی‌های بانک به پول آن کشور معرفی کند؛ مگر آنکه فاقد بانک مرکزی باشد؛ بنابراین پس از عضویت ایران، جایگاه سپرده‌پذیر رسمی اصولاً متعلق به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و بانک‌های تجاری یا تخصصی در سطوح بعدی و بر مبنای قراردادهای عملیاتی وارد همکاری می‌شوند.

سلامت بانکی؛ شرط دسترسی به منابع

بانک‌های غیردولتی نیز به‌طور مطلق از همکاری کنار گذاشته نمی‌شوند. سیاست معاملات بدون تضمین حاکمیتی NDB امکان تأمین مالی بنگاه‌ها و مؤسسات واجد شرایط را فراهم می‌کند و موافقت‌نامه نیز همکاری با بانک‌های تجاری و تأمین مالی مشترک را به رسمیت می‌شناسد. بااین‌حال، بانک خصوصی ایرانی برای دریافت منابع مستقیم باید از اعتبار مالی مناسب، ساختار مالکیت شفاف، حاکمیت شرکتی قابل قبول، سرمایه کافی، کیفیت دارایی مناسب، کنترل‌های تطبیق مؤثر و توان بازپرداخت ارزی برخوردار باشد.

در وضعیت کنونی شبکه بانکی ایران، تعیین صلاحیت باید به‌صورت موردی و براساس اطلاعات مالی حسابرسی‌شده انجام شود و نمی‌توان از پیش، دسترسی هیچ بانک دولتی یا خصوصی را قطعی دانست.

در ارزیابی بانک‌های ایرانی، مجموعه‌ای از معیارهای مالی و غیرمالی باید همزمان مدنظر قرار گیرد؛ کفایت سرمایه، حجم و ترکیب مطالبات غیرجاری، تمرکز تسهیلات، وضعیت نقدینگی، توان مدیریت ریسک ارزی، کیفیت سود، شفافیت صورت‌های مالی تلفیقی، استقلال مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی، کنترل ذی‌نفع واحد، شناخت مشتری، مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، امنیت سایبری، استمرار کسب‌وکار و توان اجرای استانداردهای محیط‌زیستی و اجتماعی.

بانکی که از نظر مأموریت توسعه‌ای مناسب است اما ضعف مالی یا کنترلی دارد؛ ممکن است برای دریافت خط اعتباری مستقیم واجد شرایط نباشد. برعکس، بانک برخوردار از سلامت مالی ولی فاقد نظام ارزیابی پروژه‌های توسعه‌ای نیز نمی‌تواند بدون ظرفیت‌سازی به واسطه مناسبی برای NDB تبدیل شود.

تأکید NDB بر «استفاده از نظام‌های ملی» به این معناست که بانک در صورت قابل قبول بودن مقررات، ساختارهای تدارکاتی، محیط‌زیستی و اجتماعی و نظارتی کشور عضو، می‌تواند بر سازکارهای داخلی آن کشور تکیه کند. این رویکرد، نسبت به برخی بانک‌های توسعه‌ای سنتی، مالکیت ملی پروژه را تقویت می‌کند؛ اما به معنای کنار گذاشتن استانداردها نیست. هرگاه نظام داخلی نتواند الزامات بانک را پوشش دهد، باید اقدامات تکمیلی، برنامه اصلاحی یا سازکار نظارتی ویژه برقرار شود. برای ایران، این موضوع ضرورت ارزیابی فاصله میان مقررات داخلی و چارچوب‌های NDB را برجسته می‌کند.

تامین مالی با ارزهای محلی

یکی از ظرفیت‌های مهم بانک توسعه جدید، تأمین مالی با ارزهای محلی است. تأمین مالی ارزی پروژه‌ای که درآمد آن به پول ملی ایجاد می‌شود؛ می‌تواند عدم تطابق ارزی و آسیب‌پذیری وام‌گیرنده در برابر جهش نرخ ارز را افزایش دهد. NDB با انتشار اوراق در بازارهای داخلی اعضا و تجهیز منابع به ارز همان کشور می‌کوشد بخشی از این ریسک را کاهش دهد. برای نمونه، این بانک در بازار بین‌بانکی چین اوراق رنمینبی منتشر کرده و تسهیلاتی معادل دلاری، اما قابل پرداخت به رنمینبی در اختیار واسطه‌های مالی چینی قرار داده است.

امکان تأمین مالی ریالی پروژه‌های ایران، پس از عضویت، از نظر حقوقی قابل بررسی خواهد بود، اما تحقق آن به وجود بازار بدهی عمیق، امکان انتشار اوراق NDB در ایران، قابلیت تبدیل و انتقال وجوه، قواعد روشن مالیاتی، پذیرش جایگاه حقوقی و مصونیت‌های بانک، وجود منحنی بازده معتبر، توان مدیریت ریسک نرخ سود و ارز و اعتماد سرمایه‌گذاران بستگی دارد.

تورم مزمن و نوسان نرخ ارز نیز می‌تواند هزینه تجهیز منابع ریالی را افزایش دهد. در نتیجه، وام‌دهی به پول ملی لزوماً به معنای تأمین مالی ارزان نیست و بانک باید میان هزینه منابع، ریسک تورم و نرخ تسهیلات تعادل برقرار کند. همکاری با NDB را نباید با ایجاد یک کانال عمومی پرداخت یا جایگزینی سوئیفت یکسان دانست. بریکس در سال‌های اخیر استفاده بیشتر از پول‌های ملی، بهبود پرداخت‌های برون‌مرزی، ارتباط میان زیرساخت‌های مالی و افزایش همکاری بانک‌های مرکزی را بررسی کرده است اما این مباحث از عملیات توسعه‌ای NDB متمایز است.

حتی اگر وامی به رنمینبی، درهم، روپیه یا ارز دیگری تصویب شود؛ انتقال عملی منابع همچنان به حساب‌های کارگزاری، بانک‌های عامل، شبکه پیام‌رسان، ترتیبات تسویه، کنترل‌های مبارزه با پول‌شویی و امکان حقوقی انجام معامله نیاز دارد. NDB سامانه‌ای نیست که بانک ایرانی صرفاً با نصب یک رابط فنی به آن متصل شود.

کدام پروژه‌های ایران شانس بیشتری دارند؟

هرگونه همکاری عملی باید بر انتخاب پروژه‌های شفاف، اقتصادی و تا حد امکان کم‌تنش از نظر تحریمی استوار باشد. پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، کاهش تلفات آب، تصفیه فاضلاب، مدیریت پسماند، حمل‌ونقل عمومی، بهره‌وری انرژی، زیرساخت دیجیتال، تاب‌آوری شهری و سازگاری با کم‌آبی می‌توانند نسبت به پروژه‌های نفتی یا طرح‌های دارای طرف‌های پرریسک، شانس بیشتری برای بررسی داشته باشند.

با این حال، حتی پروژه‌ای در حوزه محیط‌زیست نیز اگر وام‌گیرنده، پیمانکار، تأمین‌کننده تجهیزات، بانک عامل یا مسیر پرداخت آن با محدودیت‌های حقوقی روبه‌رو باشد، ممکن است قابلیت اجرا نداشته باشد.

موافقت‌نامه NDB به بانک اجازه می‌دهد در موارد استثنایی پروژه‌ای را در کشور غیرعضو نیز تأمین مالی کند. هیئت عاملان می‌توانند با اکثریت ویژه سیاستی عمومی برای عملیات در کشورهای غیرعضو تصویب کند، مشروط بر آنکه پروژه منفعت اساسی برای یک عضو داشته باشد؛ همچنین هیئت‌مدیره می‌تواند به‌طور استثنایی پروژه مشخصی را در یک اقتصاد نوظهور یا کشور درحال‌توسعه غیرعضو تصویب کند؛ بنابراین از نظر حقوقی، غیرعضو بودن ایران مانع مطلق و غیرقابل استثنا نیست؛ اما این ظرفیت نمی‌تواند جانشین عضویت رسمی تلقی شود و برای ایجاد یک رابطه مالی منظم، عضویت کشور مسیر مطمئن‌تر و پایدارتر است.

> **یکی از ظرفیت‌های مهم بانک توسعه جدید، تأمین مالی با ارزهای محلی است. تأمین مالی ارزی پروژه‌ای که درآمد آن به پول ملی ایجاد می‌شود؛ می‌تواند عدم تطابق ارزی و آسیب‌پذیری وام‌گیرنده در برابر جهش نرخ ارز را افزایش دهد. NDB با انتشار اوراق در بازارهای داخلی اعضا و تجهیز منابع به ارز همان کشور می‌کوشد بخشی از این ریسک را کاهش دهد.**

برای بهره‌برداری مؤثر ایران از NDB، ضروری است مذاکرات عضویت با آماده‌سازی داخلی به‌صورت همزمان پیش رود. عضویت کافی نیست؛ ایران به پروژه‌های آماده نیاز دارد.

ایبنا